**انترناسیونال ۶۷۶**

**قتل عام ٦٧ و جانیانی به اسم حکومت اسلامی**

گفتگو با اصغر کریمی و کاظم نیکخواه

**انترناسیونال**: اول بگذارید این سوال را مطرح کنیم که کلا نظر شما در مورد کشتار وسیع زندانیان سیاسی در سال ٦٧ چیست؟ چرا اینهمه جنایت؟ چه ارزیابی ای از این کشتار و قتل عام زندانیان دارید؟

**کاظم نیکخواه:** توصیف ابعاد جنایت سال ٦٧ و قتل عام عظیمی که در زندانهای سیاسی ایران به دستور خمینی صورت گرفت براستی ممکن نیست. البته همه میدانند که از مدتها پیش از این یعنی از سال شصت حکومت اسلامی اعدامهای گسترده اش را شروع کرد و هرروز صدها تن از زندانیان را به جوخه اعدام سپرد. این کشتارها که در سراسر ایران از تهران و کردستان و ترکمن صحرا و تبریز و خوزستان و همه جا جریان داشت، شروع تعرض خونین حکومت به انقلاب مردم بود. خیلی از زندانیان سیاسی آزاد شده از زندان شاه، انقلابیون متمایل به چپ و کمونیسم و طرفدار آزادی زنان و مبارزین ضد تبعیض و ستمگری همچنین جریانات اسلامی مخالف نظیر مجاهدین و ملی گراها را در همین سال ٦٠ و ٦١ به جوخه اعدام سپردند. و بعد از آن شاهد ادامه کشتارهای وسیع حکومت بودیم.

اما تا آنجا که به قتل عام سال ٦٧ مربوط میشود هرچه گوشه های مختلف این جنایت بیشتر افشا میگردد، انسان کمتر آنرا از فرط تکان دهنده بودن باور میکند. ابعاد توحش، خونخواری، بیرحمی و کینه جویی دست اندرکاران حکومت براستی باور کردنی نیست. چقدر جان بچه های مردم برایشان بی ارزش است! چقدر بسادگی حکم اعدام میدهند! چقدر بسادگی تا حد مرگ شکنجه میکنند! چقدر دختران و پسران جوان را با انواع شکنجه و بیرحمی خرد و داغان میکنند! از خلال اعترافات حکومتی ها در عین حال میشود دید که چقدر این جوانان جسورانه و حماسه وار در برابر جلادان مقاومت و ایستادگی میکنند و قاتلین خودرا به سخره میگیرند و نفرت خودرا نثار خمینی و جلادان میکنند!

این کشتار و کشتارهای قبل از آن در واقع انتقام ارتجاع اسلامی از انقلاب و مردم انقلابی بود. انتقام از مردمی بود که دیکتاتوری آریامهری را با انقلاب خود به زیر کشیده بودند و جامعه ای آزاد و بری از سرکوب و زندان، و مرفه و مدرن میخواستند. این کشتار انتقام از آزادیخواهی بود. کشتارهای حکومت اسلامی ادامه پروژه حاکم کردن باند دزد و متحجر و جنایتکار اسلامی بر ایران بعد از انقلاب ٥٧ بود. اینها ماموریت داشتند که جامعه را از نفس انقلابی گری و آزادیخواهی و مدرنیسم و برابری طلبی پاکسازی کنند. با شکست در جنگ با عراق و با اوجگیری خواستهای مردمی که از جنگ و حکومت خسته شده بودند، حکومت اسلامی خودرا در برابر مردم بسیار شکننده میدید. کشتار سال ٦٧ پاسخی یه این وضعیت و برای نشان دادن قدرقدرتی در برابر کل جامعه بود.

اما شکستشان را میشود در همین واقعیت دید که جامعه ایران یک لحظه از اعتراض توده ای علیه حکومت باز نایستاده است و امروز بیست و هشت سال پس از کشتار ٦٧ اینها همچنان و بیش از پیش زیر فشار عظیم خشم عمومی برای پاسخگویی در مورد جنایاتشان قرار دارند. میشود شکستشان را در وجود جامعه پر التهابی دید که هرروز نسبت به تمام قوانین و مقدسات و بنیانگذاران این حکومت ابراز نفرت و انزجار میکند و مقابل آنها ایستاده است. شکاف عظیمی که در درون حکومتی ها افتاده است و انتشار نوار منتظری نیز یک بازتاب آنست، خود نشان میدهد که فشار آزادیخواهی و جنبش انسانی و پیشرو مردم بر حکومت ارتجاع اسلامی بسیار قدرتمند و بدون وقفه ادامه یافته و قدرتمندتر شده است. جمهوری اسلامی زیر فشار خشم مردم چند شقه شده است و حتی از درون حکومت خیلی هایشان از این کشتارهای قائد اعظمشان ابراز ندامت و برائت میکنند. چشم انداز محتمل دادگاههای مردمی برای محاکمه جلادان را میشود در ترس همین امروز حاکمین از خشم مردم دید.

**انترناسیونال**: با انتشار فایل صوتی صحبتهای منتظری درباره کشتارهای سال ۶۷ توسط جمهوری اسلامی، امسال بحث ها درباره این جنایت عظیم شکل دیگری بخود گرفته است، و یک موضوع در کشمکشهای جناحهای درون رژیم شده است. نظر شما درباره اهمیت انتشار این صحبتها چیست؟

**اصغر کریمی:** حرف زدن درمورد رویدادهای مهم و تاریخی همیشه جایگاه خود را حفظ میکند. چه برسد صحبت درمورد یک جنایت عظیم، اعدام چندین هزار مخالف سیاسی در عرض چند هفته، که هنوز نه ابعاد دقیقش کاملا معلوم است، نه بخش اعظم جزئیاتش بازگو شده، نه تعداد جانباختگان و محل خاکسپاری آنها مشخص است، نه اسامی و تصویر و بیوگرافی این انسانها و نه حتی اسامی و نقش کلیه قاتلان در قوه قضائیه و دولت و مجلس و بازجویان و مجریان اعدام ها. به همین دلیل انتشار فایل صوتی منتظری که از مقامات حکومت در آن دوره بوده و گوشه ای از بحث های پشت پرده را بازگو میکند خودبخود مورد توجه قرار میگیرد. اینرا هم اضافه کنم که هزار بار بیشتر از آنچه منتظری درمورد قتل عام تابستان ۶۷ گفته است، توسط زندانیان آن دوره و نیروهای اپوزیسیون بازگو شده است، اهمیت صحبت منتظری در این است که او خود از مقامات حکومت بود و طبیعی است که حساسیت و توجه ویژه ای ایجاد میکند.

کتاب خاطرات منتظری در سال ۱۳۷۹ در تیراژی محدود و سپس در سال ۸۰ با تیراژ بیشتری منتشر شده بود و بخشی از نامه نگاری ها و صحبت هایش با قضات وقت حکومت علنی شده بود اما نوار صوتی او جزئیات بیشتر و تازه تر و لحن تندتری دارد و مستقیما خطاب به خمینی بعنوان کسی که آینده بعنوان یک جلاد و سفاک از او یاد میکند حرف میزند. اما این فقط یکی از علل داغ شدن مساله در افکار عمومی و در میان حکومتیان است. دو فاکتور مهم به انتشار این فایل صوتی اهمیت داده است. یکی امکانات مخالفین حکومت برای رسانه ای کردن این مساله، از تلویزیون های اپوزیسیون تا مدیای اجتماعی، امکانی که ۱۵-۱۶ سال قبل در دسترس مردم نبود. بویژه امروز تحرک وسیعی در میان خانواده های جانباختگان و زندانیان سیاسی و فعالین اجتماعی وجود دارد که قابل مقایسه با ۱۵-۱۶ سال قبل نیست. مخالفین حکومت به سرعت از این فایل صوتی بعنوان یک سند تاریخی استفاده کردند تا بار دیگر افکار عمومی را از آنچه اینها بر سر مردم آوردند مطلع کنند.

فاکتور دوم مربوط به وضعیت آشفته تر حکومت و تغییر توازن قوا میان مردم و حکومت در این دوره است. بخش اعظم حکومت حتی اصولگراها امروز به راحتی نمیتوانند از جنایات خود در آن دوره دفاع کنند. و این برای حکومتی که همچنان با اعدام و جنایت حکومت میکند یک نقطه ضعف کشنده است. حکومت کنندگانی که به راحتی نتوانند از تاریخ خود و از نقاط عطف مهم شکل گیری خود دفاع کنند، حتی در صفوف خود بسیار شکننده اند. مردم درمورد جنایات حکومت ناروشن نیستند تک تک جنایتکاران را میشناسند، اما حکومتی که توان دفاع از مهمترین سیاست های خود را نداشته باشد حتی تکیه گاه محکمی در میان بدنه خود و نیروهای سرکوبش ندارد. اینبار میدانستند پخش نوار صحبت منتظری انعکاس زیادی پیدا میکند سعی کردند سر و ته قضیه را بهم بیاورند و از کنارش رد شوند اما توان اینرا هم نداشتند. مساله به سرعت حتی در رسانه های بین المللی منعکس شد، تاجزاده از مردم معذرتخواهی کرد، پنج نماینده اصلاح طلب سابق بعنوان فاجعه تاریخی از آن یاد کردند و حتی رفسنجانی که خود نقش مستقیم و تعیین کننده ای در کل جنایات دهه شصت داشت علیه هجمه ای که به خمینی میشود، موضعگیری کرد و جرات نکرد مستقیم و با صراحت از اعدام ها دفاع کند. تردیدی نباید داشت که تحت فشار مردم و بر وضعیت شکننده حکومت شاهد اظهار ندامت ها و معذرتخواهی های خیلی بیشتری توسط حکومتیان سابق و حتی دست اندرکاران فعلی خواهیم بود.

**انترناسیونال**: نگرانی منتظری در فایل صوتی منتشر شده این است که این اعدامها در آینده از خمینی یک چهره سفاک به دنیا نشان خواهد داد، و جمهوری اسلامی را بعنوان یک رژیم جنایتکار به جهان معرفی می کند. این پیش بینی را چگونه ارزیابی می کنید؟

**کاظم نیکخواه:** نگرانی منتظری همانگونه که خود به صراحت بیان میکند بیش از هر چیز برای اسلام و نظام اسلامی بود که خود یکی از پایه گزاران آن بود. او این تیز هوشی را داشت که بفهمد با اینهمه جنایت و بر دریای نفرت مردم هیچ حکومتی نمیتواند دوام بیاورد و نگران بود. او نگران بود خمینی را بعنوان سفاک تاریخ بشناسند، و خیلی زود اینگونه شد. خمینی از خیلی وقت پیش بعنوان بدترین جنایتکار تاریخ بشری در جهان با نفرت یاد میشود. منتظری نگران بود که دین اسلام در میان مردم با نفرت همراه شود. و براستی آیا کشور دیگری را میتوان سراغ گرفت که جنبش ضد مذهبی ابعاد وسیعتری از ایران داشته باشد که همه کس از آخوند و مسجد و خرافه و آیت الله ها و تمام شئونات اسلامی متنفر است؟ البته نباید فراموش کرد که کشتارهای سال ٦٧ بعد از توصیه ها و اعتراض منتظری هم بدون وقفه ادامه یافت و بنا به بسیاری از شواهد کمیته مرگ خمینی هزاران تن از چپها و کمونیستها را بعد از این جلسه منتظری به جوخه اعدام سپرد. اما بهرحال منتظری با این اعتراض خود نام بهتری از خود باقی گذاشت که قابل مقایسه با هیچ آخوند دیگری نیست.

این را هم اشاره کنم که برخی از سیاسی کارهای ناراضی حاشیه حکومت و جریانات ملی اسلامی و لیبرال چپهای اسلام زده تلاش میکنند از منتظری قهرمان بسازند و از این طریق نفرت از اسلام و نظام اسلامی شان را تخفیف دهند. میشود درک کرد که بقول معروف در شهر کوتوله ها معیارها زیر صفر دور میزند. حتما در میان آخوندها و آیت الله های حاکم منتظری رای و قضاوت بهتری از بقیه می آورد که دستشان مستقم و غیر مستقیم به خون آلوده است و همگی مورد نفرت عظیم مردم هستند. اما اینکه کسی بخواهد یک آخوند دست راست خمینی را دوباره به این دلیل که فقط ده سال "ناقابل" در بالاترین راس هرم حکومتی شریک حکومت منفور و جنایتکار اسلامی بوده به مردم منزجر از اسلام و نظام اسلامی بفروشد بیشتر به شوخی شباهت دارد.

**انترناسیونال**: با وجود تمام اختلافات بین جناحهای اصلی رژیم، شاهدیم که باند خامنه ای و دارو دسته رفسنجانی و اکثر اصلاح طلبان در مورد انتشار این نوارها موضع مشترک دارند، چه دلیلی برای این همدلی و همصدایی بین دو جناح اصلی رژیم می بینید؟

**اصغر کریمی:** به دو دلیل اشاره میکنم:‌

اولین دلیل این است که اصلاح طلبان یا دو خردادی ها همان سی خردادی ها هستند که در اعدام دهها هزار زندانی سیاسی در سالهای ۶۰ به بعد و از جمله در کشتار سال ۶۷ در صف اول حکومت و در صف اول جنایت بودند. از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و رئیسشان بهزاد نبودی که نقش ویژه ای در سرکوب ها و کشتارهای این دوره داشت تا خلخالی که بعدا به اصلاح طلبان پیوست، از موسوی تا وزرای کابینه او، از خاتمی که رئیس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود تا کروبی، از بسیاری از امام جمعه ها که در اوج اعدام ها رجز میخواندند تا فضای رعب و وحشت ایجاد کنند تا بسیاری از بازجوها و روسای زندان ها، از بسیاری از نمایندگان مجلس تا بسیاری از مقامات بالای حکومت و بسیاری از فرماندهان سپاه و مسئولین وزارت اطلاعات خط امامی بودند و در تمام جنایات آن دوره در کنار خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و گیلانی و ری شهری و لاجوردی نقش داشتند. در مقاطع مهم تثبیت جمهوری اسلامی که سرکوب های دهه شصت مهمترینش بود، همه جناح های حکومت شریک و متحدند. این مقطعی است که مشترکا یک حکومت مرتجع را علیه مردم سرپا نگهداشتند.

کمیسیون چهار نفره ای که بدستور خمینی از اشراقی، نیری، پورمحمدی و رئیسی تشکیل شد همراه با بازجوها و زندانبانان مجری مستقیم قتل عام تابستان ۶۷ بودند، اما اینها عمله اکره یک حکومت بودند که مجلس داشت، دولت داشت، نیروی سرکوب داشت، رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس مجلس داشت، قوه قضائیه داشت و همه اینها مشترکا کل این جنایات را برنامه ریزی کردند و به اجرا درآوردند و همه آنها مستقیما مسئولند. جنایت سال ۶۷ و جنایات سالهای قبل از آن در کردستان و ترکمن صحرا، در خوزستان و دانشگاهها، در سرکوب زنان و بستن روزنامه ها، در ممنوع کردن سازمان های چپ و کمونیست توسط یک حکومت و نه فقط خمینی و کمیسیون چهارنفره صورت گرفت و بسیاری از آنها که مستقیما در جنایات دهه شصت نقش داشتند هنوز وزیر و نماینده مجلس و رئیس این ارگان و آن ارگان حکومتی هستند و همچنان به جنایت مشغولند. تلاش رسانه هایی مانند بی بی سی و اصلاح طلبانی که میکوشند کل قضایا را به خمینی و چند مهره حکومت محدود کنند و یا اینکه قانون اساسی بدرستی اجرا نشده واقعا تهوع آور است.

دلیل دوم نقش خمینی در این ماجرا است. خمینی بنیانگذار این حکومت است. اینها زیر سایه خمینی به حکومت و مقام و منصب و همینطور به پولهای هنگفتی رسیده اند. منتظری در صحبت شفاهی خود مستقیما میگوید در آینده از خمینی بعنوان خونریز و سفاک یاد خواهد شد. اصلاح طلبان حتی اگر بخواهند اما جربزه ندارند خود را همسو با منتظری نشان بدهند و عملا در مقابل خمینی قرار بگیرند. هرچند همانطور که گفتم بدلیل وضعیت آشفته حکومت و فشار عظیم مردم هر روز تعداد بیشتری از آنها مجبور به اظهار ندامت و تبری جستن از این جنایات میشوند.

**انترناسیونال**: اعدام گسترده زندانیان سیاسی منحصر به سال ٦٧ نبود، قبل از آن هم بویژه بعد از سال ۶۰ شاهد اعدام های زندانیان سیاسی در ابعاد بسیار وسیع بودیم، چرا در بحث های این روزها صحبتی از این کشتارها در بین نیست؟

**کاظم نیکخواه:** منظورتان حتما اشاره به جریانات و جناحهای حکومتی و ملی اسلامی و توده ای – اکثریتی هاست. و گرنه در میان مردم و بازماندگان زندانیان و زندانیان سیاسی سابق بحث در مورد کشتارهای قبل از ٦٧ هم بسیار در جریان است.

برخی از افراد و جریانات که اشاره کردم در سخن گفتن از کشتارهای حکومت حسابگریهای خرد خودرا دارند. برخی از اینها در سالهای ٦٠ و ٦١ در کنار حکومت بودند و دوست ندارند از آن دوره صحبتی به میان آید. برخی موقعی مورد حمله قرار گرفتند که هنوز مشغول چانه زدنی برای شراکت در حکومت اسلامی و وکیل و وزیر شدن بودند. بعضی ها هم مثل "اصلاح طلب" شده های بعدی حکومتی خود یک پای جنایت و کشتارها بوده اند و در نتیجه هرچه کمتر افشا شود را به نفع خود میدانند.

روشن است که تک تک بچه های مردم عزیزند و هیچکدام از آنها که به دست حکومت کشتار شدند فراموش نمیشوند. هرچند که ابعاد کشتار این حکومت عظیم است و هنوز گوشه هایی از آن افشا شده است، اما مگر خانواده ها و دوستان و همکاران و بازماندگان قربانیان حکومت یکی از این بچه ها را میتوانند فراموش کنند؟ منظورم اینست که حاکمین اسلامی باید در مورد تمام جنایات خود از روز اول به قدرت رسیدن خود پاسخگو باشند و مردم هیچکدام را فراموش نمیکنند و در فردای سرنگونی حکومت اسلامی همه پرونده ها را باز خواهند کرد و جانباختگان را با شکوهی تمام گرامی خواهند داشت. تردیدی نباید داشت. در واقع محاکمه سران حکومت از هم اکنون آغاز شده است و مردم دارند جانیان را مورد بازخواست و محاکمه قرار میدهند.

**انترناسیونال**: بحث های گسترده پیرامون انتشار صحبت های منتظری و کشتار زندانیان سال ۶۷ نشان داد که با گذشت نزدیک به ۳ دهه این پرونده هنوز باز است. بنظر شما چه زمانی می توان این پرونده را خاتمه یافته تلقی کرد؟

**اصغر کریمی:** پرونده هیچ قتل عامی در تاریخ به سادگی بسته نخواهد شد. پرونده قتل عام ۶۷ و همینطور اعدام دهها هزار زندنی در طول هفت سال قبل از آن هنوز حتی بدرستی باز نشده است. آن زمان که قاتلان عزیزان مردم دستگیر و محاکمه شوند و جزئیات این پرونده ها افشا شود، ممکن است این پرونده ها از نظر حقوقی بسته شود اما بدلیل ابعاد این جنایات و تاثیرات عمیقی که بر روح و روان میلیون ها نفر از مردم و مقدم بر همه بر خانواده ها و نزدیکان جانباختگان گذاشته است حتی پس از گذشت نسل ها بسته نخواهد شد. جنایات فاشیسم در آلمان اکنون پس از گذشت ۷۰ سال و علیرغم صدها و شاید هزاران فیلم و کتاب درمورد آن هنوز زنده است. در ایران نیز پرونده این "جنایت مقدس" تازه پس از سرنگونی حکومت و بازگویی کل حقایق مربوط به آن، در ابعادی بین المللی باز خواهد شد و صدها فیلم و کتاب درمورد آن تهیه خواهد شد.

از نظر سیاسی یک مساله مهم این است که آنها که این جنایات عظیم را سازمان دادند هنوز دارند حکومت میکنند و پرونده جنایات آنها سندی در دست مردم برای افشای آنها، بزیر کشیدن آنها و محاکمه آنها است. مخالفین جمهوری اسلامی اعم از نیروهای متشکل اپوزیسیون یا خانواده های جانباختگان و زندانیان سیاسی که جان به در برده اند، برای تک تک جنایات رژیم پرونده ساخته اند و از هر فرصتی برای محکوم کردن حکومت استفاده میکنند. دادگاه ایران تریبونال که برای بررسی جنایات حکومت در دهه شصت در سال ۲۰۱۲ در دو مرحله در لندن و لاهه برگزار شد گوشه ای از تلاش ارزنده نیروهای چپ و سرنگونی طلب در این راستا بود.

علاوه بر جمهوری اسلامی کل جنبش اسلام سیاسی از داعش و النصره تا بوکوحرام و طالبان و دولت ترکیه و عربستان امروز به همان جنایتی مشغولند که جمهوری اسلامی پیشقراول آن بود. اینها امروز به هم وصل میشوند و افشای هر کدام افشای سایر نیروهای این جنبش نیز هست. داعش امروز همان کاری را به سر زنان، کودکان، معتقدین به مذاهب دیگر و مخالفین خود میاورد که جمهوری اسلامی باب کرد. همان قوانینی وضع میکند که جمهوری اسلامی در قانون اساسی و قانون قصاصش تدوین کرد. به همان درجه بیرحم است که جمهوری اسلامی و سران آن. تا جنبش کثیف اسلامی در هر گوشه این جهان خون میریزد، افشای جنایات جمهوری اسلامی و سران و مهره های آن برای مردم جهان، بیش از پیش اهمیت پیدا میکند و پرونده آن هر روز بازتر و جهانی تر میشود.

امروز بیش از هر زمان وقت آن رسیده است که مردم زجر کشیده از این حکومت بلند شوند و خواهان به زیر کشیده شدن جانیان حاکم بر این مملکت و محاکمه تک تک جنایتکاران از پورمحمدی و رفسنجانی تا خامنه ای و روحانی و مرتضوی و لاریجانی ها و سایر مقامات و فرماندهان حکومت اسلامی شوند.